



نمره‌ی سیزدهم
اردیبهشت ۱۴۰۴ ه.ش



ترین های ابتکارنامه

پرخواننده‌ترین شماره	"بازی سود یا سقوط" چون بازی بیشتر از خوندن میچسبه /:
کم‌خواننده‌ترین شماره	"فالوده" چون مخاطب خاص خودش رو داشت و مخصوص عموم نبود!
پرچالش‌ترین شماره	"خلاقیت های ملانصرالدینی" چون خشت اول گر نهد معمار کج و اینا! ولی شما که غریبه نیستید ما دستمون راه نیوفتاده بود هنوز.
باحساس‌ترین پاراگراف	"کعبه عشق" در "رفیق ابدی". خودتون بخونید متوجه میشید (:
پُرتیترتین شماره	"جبر یزیدی" با ۸ تیتتر. راستش چون سردبیر مجبورمون کرده بود (:
بیشترین اصلاحیه قبل از انتشار	"قصه ما دروغ بود!" چون بالا رفتیم دوغ بود. ولی جدا از شوخی با همه حساسیت ها و اصلاحات بازم جلدش به تفاوت کوچیک با بقیه شماره ها داره که میتونید خودتون کشفش کنید
باحال‌ترین تصویر جلد	"خطای گوسفندی" شما خودتون ملاحظه کنید به مشت گوسفند خر زل زدن تو چشم آدم :).
عجیب‌ترین بازخورد مخاطب	مربوط به "وعده های وارداتی" است. مثبت ۱۸ و با ذهن های مریض نوشته شد و مورد تنبیه والدین مون قرار گرفتیم/:
دیرترین تحویل شماره	"چاق و چله" همزمان با هندوانه به سفره یلدامون رسید.
سوتی‌ترین لحظه چاپ	به شکل باورنکردنی اولین شماره ابتکارنامه بعد از دو نوبت اشتباه چاپی به نوبت سوم چاپ رسید و بلاخره تصحیح شد! دعای انتشارات از اون روز پشت سر ماست :)))

چالش حافظه و سلیقه با جایزه نقدی

یک سال با ابتکارنامه در کنار هم بودیم. حالا وقتشه ببینیم چقدر مطالب تو خاطرت مونده. بگو تیتتر زیر مربوط به کدوم شماره‌ست و برنده شو.

"واژگان در دنیای موازی"

پاسخ درست رو پیدا کن و حتماً برو توی پست مسابقه در پیج اینستاگراممون با آدرس زیر:

mehrebtkartvto

و زیر اون پست کامنت بذار که از نظر تو بهترین شماره ابتکارنامه

فرهنگ نقدپذیری



اسکن کنید
نقد نکنید

من اگر نیکم و گر بد تو برو خود را باش
هر کسی آن دِزودِ عاقبتِ کار، که کِشت
حافظ

نقدِ حالِ من و تو، نقدِ خرد باید گفت
نه به تندى، نه به نیش، نه به حسد باید گفت
پروین اعتصامی

هر که عیبِ دگران پیش تو آورد و شمرد
بی‌گمان عیبِ تو پیشِ دگران خواهد برد!
سعدی

نقد اگر می‌کنی، با قلمی نرم بکن
زخم را چاره اگر هست، نه با داس، بکن!
عمران صلاحی

عیبِ کسان منگرو احسان خویش
دیده فرو بر به گریبانِ خویش
مولانا

عیب‌رندان مکن ای زاهد پاکیزه‌سرشت
که گناه دگران بر تو نخواهند نوشت
حافظ



مجمع تشخیص و توزیع محتوا

آ. آ: ناظر کمی و کیفی ابتکارنامه. ابداً اهل انتقاد نیست و تمام نوشته هارا چشم بسته تایید کرده و مراتب تقدیر را از نویسندگان به جا می آورد.

ح. ص: جفنگ نویس اصلی ابتکارنامه. نوشته هایش درب است و داغان. کسی هم نمیتواند به او بگوید بالای نوشته هایش ابروست.

ه. ع: مخالف سرسخت هوش مصنوعی. اصلا اعتقادی به استفاده از ChatGPT ندارد. او معتقد است یا آدم خوش ایده می‌دهد یا هیچی.

ز. خ: دلگرمی ابتکارنامه. به عنوان اولین نفر در اتاق فکر با قلم و کاغذ حاضر و با کاغذ خالی خارج می شود. منسجم ترین متن های ابتکارنامه به او تعلق دارد. از حق نگذریم ایده هایش نقلی اما بکر هستند.

ن. الف: نیچه ابتکارنامه. نوشته هایش آنقدر سنگین وزن اند که نه تنها هر خواننده ای که خودش هم نمیتواند آنطور که شایسته است آنها را معنی و تفسیر کند. ساده سازی برای فهم مخاطب در کارش نیست و معتقد است خواننده باید خودش عاقل باشد!

ه. خ: میکاپ آرتیست ابتکارنامه. تصاویر داخل ابتکارنامه را بدون هیچ کمکی از دیگران تولید و جایگذاری میکند، روی متن اشراف کامل دارد و ویراستاری حرفه ای ابتکارنامه را مدیون دانش نگارشی او هستیم.

م. ج: ناشر اصلی ابتکارنامه. بارگذاری فایل های ابتکارنامه در سایت را برعهده دارد. دقتش کم نظیر است و برای جلب نظر مخاطبان به صورت کاملاً خلاقانه ابتکارنامه مهر را در صفحه اسفندماه درج می‌کند.

م. ب: هد تبلیغات ابتکارنامه. چشم و امید تیم ابتکارنامه به سئو و تبلیغات موثر اوست تا بتوانند این ماهنامه را به امید حق علیه باطل جهانی کنند. به همین خاطر کار ما را در اولویت می گذارد و اگر وقت داشته باشد به دیگر سایت ها هم رسیدگی می‌کند.

آرزوهای دور و دراز

نه ما سخته کردیم، نه سرور خوابید، نه فونت‌ها قهر کردند. حتی ویرگول‌ها هم با ما ساختند. خلاصه اینکه: ابتکارنامه شد یک‌ساله!

روزی که اولین شماره‌اش را منتشر کردیم، بعضی‌ها با لبخند ملیح و نگاه مشکوک گفتند:

-- مجله؟ توی این دوره و زمانه؟!

-- نکنه نوار کاست هم قراره پخش کنین؟

ولی ما مصمم بودیم. با چند کیبورد، چند فنجون قهوه و کوهی از دغدغه شروع کردیم به نوشتن.

و حالا که یک سال از عمر ابتکارنامه گذشته، وقتشه یک اعتراف مهم بکنیم:

ما آرزوهای دور و درازی داریم. خیلی دور. خیلی دراز.

مثلاً:

روزی برسه که اسم ابتکارنامه و راهش مثل نوشته های گل آقا الهام بخش بشه و تاثیرگذار، انقدری که خودمونم

نفهمیم کی و چجوری به اینجا رسید ولی رسید .

اما شوخی‌ها به کنار.

ابتکارنامه برای ما فقط یک نشریه نیست.

یه دل‌خوشی حرفه‌ای‌ست. جایی برای گفت‌وگو، برای لبخند و برای اندیشیدن. تلاشی است برای اینکه یک

مجموعه‌ی آموزشی کارش فقط تدریس نباشد؛ تأثیر باشد.

اگر در این یک سال با ما بودی، خواندی، فکر کردی و حتی نقد کردی، از تو ممنونیم.

اما حالا، در آستانه ورود به سال دوم، می‌خوایم بگیم:

ما هنوز همون رؤیاهای بلند رو داریم.

با قلمی تیزتر، نگاهی عمیق‌تر و امیدی محکم‌تر.

با ما بمان. با ابتکارنامه. برای فردایی باهوش‌تر، بااحساس‌تر و بامحتواتر.

با احترام و لبخند،

تیم محتوای مجتمع فنی مهربانکار

"تغییرنامه"

باید که شیوه‌ی سخنم را عوض کنم
شد، شد، اگر نشد، دهنم را عوض کنم

گاهی برای خواندن یک شعر لازم است
روزی سه بار انجمنم را عوض کنم

از هر سه انجمن که در آن شعر خوانده‌ام
آنگه مسیر آمدنم را عوض کنم

در راه اگر به خانه‌ی یک دوست سر زدم
این‌بار شکل در زدنم را عوض کنم

وقتی چمن رسیده به اینجای شعر من
باید که قیچی چمنم را عوض کنم

پیراهنی به غیر غزل نیست در برم
گفتی که جامه‌ی کهنم را عوض کنم

روزی روزگاری ابتکارنامه

از ملا نصرالدین شروع شد و خلاقیتش و "خلاقیت‌های ملانصرالدینی" نامیدیمش.

حال و هوای ایده پردازی اولیه و راه‌اندازی ابتکارنامه برای ما قابل توصیف نیست. اولین نسخه ساده بود. ما برای نوشتن جمله به جمله‌اش طنزازی به خرج می‌دادیم و از ته دل می‌خندیدیم.

اما رفته رفته همه چیز جدی شد. دریافت بازخوردهای جالب و زیاد در همان شماره‌های ابتدایی نشان از شروع شدن یک مسئولیت عجیب و دوست داشتنی داشت.

خرداد اما حال و هوای انتخابات برای رئیس جمهور جایگزین بود. از وعده‌هایی گفتیم که عملی نبودند. "وعده‌های وارداتی" به تحریر درآمد.

تیر هم که هر جوان ایرانی می‌داند که نوبتی هم باشد نوبت غولی به نام کنکور است. سومین نمره ابتکارنامه با نام "جبر یزیدی" شکل گرفت. ما در این نمره از اجباری به نام کنکور گفتیم و عاشورایی که مثل گذشته نیست.

نمره چهارم در مردادماه منتشر شد و خلاقیت مان را با طراحی یک بازی به رخ کشیدیم و مسیری از به دست آوردن و از دست دادن پول ترسیم کردیم اسمش را هم گذاشتیم "سود یا سقوط". سخت و نفسگیر بود اما بالاخره خوب از آب درآمد.

در شهریور سری به دنیای تبلیغات زدیم. نمره‌ای مختصر، مفید و طنازانه از فضای جدی تبلیغات و افراد موثر در مسیر طراحی کمپین‌های تبلیغاتی که خواندنش برای علاقمندان به این حوزه خالی از لطف نیست. شاید برایتان جالب باشد بدانید که اسمش را گذاشتیم "گوفته تبلیغی".

مهر اما دلگیر بودیم. از اشتباهات نوشتیم و از تلخی‌ها و بیشتر به نقد فرهنگی و اجتماعی میان مردم پرداختیم. اسمش را هم گذاشتیم "سوگ خند" چون نمره ششم آمیخته به خنده و گریه در کنار هم بود.

آبان را به نفسی که راحت بالا نمی‌آمد پرداختیم و سراسر از آلودگی هوا گفتیم. رنج تحمیلی بر پایتخت نشینان که وظیفه داشتیم در موردش صحبت کنیم به این امید که بتوانیم یک نفس راحتی بکشیم... اسمش شد "قالوده" و به پاییز آلوده تهران اختصاصش دادیم.

آذر ولی ابتکارنامه شیرین ما بود. سخن از یلدا بود و ترجیح دادیم کام هیچ خواننده‌ای را تلخ نکنیم. به بازی و خوراکی و دور هم بودن گذشت. اسمش را هم کاملاً ایرانیزه انتخاب کردیم "چاق و چله".

ابتکارنامه دی اما خارج از چهارچوب تمام نوشته‌های ما بود. خبری از نقد و فرهنگ سازی نبود اما عزیزترین نمره ابتکارنامه شکل گرفت و قلم ما در این نمره جز عشق چیزی ننوشت و نوشته‌هایمان با اشک بر روی کاغذ نقش بستند. از مادران و پدرانمان گفتیم، ازلی‌ترین و ابدی‌ترین رفیقانمان. "رفیق ابدی" خواندن‌ی‌ترین شد.

در بهمن ماه به شماتت و مذمت دروغ پرداختیم با گفته‌هایی برخواسته از سرِ صداقت، چرا که معتقدیم دروغ، خانمان برانداز است و دلیل کننده. اسمش را هم گذاشتیم "قصه ما دروغ بود!".

اسفندماه اما وقت گفتن از فقر بود. فقر در همه چیز، در اقتصاد، در فرهنگ و در اندیشه. از خواسته یا ناخواسته زیر خط بودن حرف زدیم و "آندرلاین" آغشته به نقد و گلایه و طعنه منتشر شد.

فروردین ماه که شد متأثر از اتفاقات تلخ تعطیلات بودیم. برداشت خاک هرمزگان، یادگاری نویسی در تخت جمشید و اتفاقات ناراحت کننده دیگر که ماحصل زحمت هم میهنان‌مان بود... از خطاهای سهوی و عمدی گفتیم و دوازدهمین شماره ابتکارنامه "خطای گوسفندی" نام گرفت.

و بالاخره ماهنامه دلی ما یک ساله شد. در سطر به سطرش احوالی تلخ و شیرین از تیم مهربانکار جا مانده است. در تمام نمره‌ها حرف دل زدیم و قند بازی درآوردیم تا کمی حال و هوایتان را عوض کنیم. بی‌درنگ همواره قدردان توجه‌تان هستیم و عاشق نگاهتان به وقت خواندنش.

